

تحلیلی بر زمینه‌های اجتماعی پدیده‌ی قانون‌گریزی^۱ (جوانان ۱۸-۳۵ سال شهر بندرعباس)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱

پرنیان سرافراز^۲، هدایت الله نیکخواه^۳، یاسر رستگار^۴

از صفحه ۱۶۱ تا ۱۸۶

چکیده

زمینه و هدف: قانون‌گریزی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی که سلامت جامعه را تهدید می‌کند، برخاسته از ناسازگاری‌هایی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است. این ناسازگاری‌ها سبب تضعیف همبستگی و انسجام اجتماعی و در نهایت بی‌هنجاری و قانون‌گریزی می‌شود؛ در کشور ایران مشکلات فرهنگی و اجتماعی زیادی در مقابل پذیرش عمومی قانون وجود دارد. بنابراین، هدف از انجام پژوهش حاضر تحلیل زمینه‌های اجتماعی پدیده قانون‌گریزی در بین جوانان می‌باشد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری شامل جوانان ۱۸-۳۵ سال شهر بندرعباس می‌باشد؛ که طبق جدول مورگان ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی انتخاب شده‌اند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با بکارگیری نرم‌افزار SPSS و استفاده از آزمون تی، آنوا، اسپیرمن و رگرسیون انجام گرفته است. یافته‌ها: با استناد به سطح معناداری به دست آمده ($p > 0/05$) می‌توان گفت بین وضعیت تأهل، سن، درآمد، سرمایه‌فرهنگی، دینداری با قانون‌گریزی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد، سطح معناداری ($p \leq 0/05$) بیانگر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین جنسیت، هویت فردی و گروه همسالان با قانون‌گریزی می‌باشد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه ($\text{Sig} = 0/16$ و $F = 4/169$) نیز نشان داد که نرخ قانون‌گریزی بر حسب مناطق مسکونی متفاوت است.

نتیجه‌گیری: هرچه قدر ارتباط با گروه همسالان بیشتر باشد، قانون‌گریزی نیز بیشتر خواهد شد. با افزایش رابطه با گروه دوستان از نفوذ نهاد خانواده و والدین کاسته می‌شود و زمینه را برای قانون‌گریزی فراهم می‌کند. همچنین با فردگرایی و کاهش جمعی؛ احساس تعلق و هویت اجتماعی کاهش می‌یابد و پیوند فرد با جامعه تضعیف می‌شود و در نتیجه منجر به بروز قانون‌گریزی بیشتر خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه فرهنگی، قانون‌گریزی، هویت فردی، دینداری، گروه همسالان.

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان می‌باشد.

۲ - کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران. رایانامه: parniansarafraz@gmail.com

۳ - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: hnik2000@yahoo.com

۴ - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران. رایانامه: yaser.rastegar62@gmail.com

انسان موجودی کاملاً اجتماعی است که برای ارضای نیازهای خود، با دیگران روابط اجتماعی دارد؛ که این روابط با وجود پیچیدگی‌ها، دارای قانون‌مندی و انتظام است (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). زندگی اجتماعی انسان‌ها تحت حاکمیت هنجارهای اجتماعی است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۳). آرامش در زندگی اجتماعی مستلزم رعایت قانون و حقوق دیگر افراد جامعه است و هرگونه تخطی، باعث هرج و مرج و بی‌نظمی در زندگی روزمره افراد می‌شود (کاشانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۴). مهم‌ترین هدف قانون‌گذاری ایجاد نظم و امنیت و تعیین حد و مرز اختیارات و وظایف افراد در روابط اجتماعی است که سبب بقای قانون، عدالت و عدم گرایش افراد به قانون‌شکنی، هنجارشکنی و بی‌نظمی می‌شود.

قانون‌ستیزی به عنوان یک معضل اجتماعی که برخاسته از ناسازگاری میان فرد و جامعه می‌باشد سلامت جامعه را تهدید می‌کند و باعث تضعیف همبستگی و انسجام اجتماعی و در نتیجه پدیدار شدن شرایط آنومیک در جامعه می‌شود (محسنی، ۱۳۹۱: ۸۴). از جمله عواملی که نقش انسجام‌بخشی اجتماعی، تقویت‌بخشی و تأمین‌کنندگی نظم اجتماعی جامعه را برعهده دارد، قانون است.

جامعه ایران به دلایلی همچون جوان بودن ساختار سنی جمعیت، گسترش ارتباطات و تماس فرهنگی با دیگر جوامع و برخی تحولات اقتصادی-اجتماعی گرفتار نوعی بیماری به نام بی‌هنجاری شده است. یکی از آثار شیوع بی‌هنجاری در جامعه نظم‌گریزی و قانون‌گریزی می‌باشد که در جامعه ایران به وفور دیده می‌شود (عشایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۷). در نتیجه قانون‌گریزی، پایبند نبودن به قواعد اجتماعی حاکم بر جامعه است که در جوامع مختلف، متفاوت است. اغلب تحقیقات و نظرسنجی‌هایی که در ایران انجام شده، حاکی از آن است که ایرانیان تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه ندارند (محسنی، ۱۳۷۹: ۸۶؛ علیخواه، ۱۳۸۱: ۲۷؛ رضایی، ۱۳۸۵: ۵۹)؛ که علت این امر، وجود درازمدت شکل خاصی از استبداد ایرانی در قالب اقتصاد-جغرافیا بنیاد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۳۵؛ آشتیانی، ۱۳۸۱: ۷۵) و در قالب سیاست بنیاد (اندرسن^۱، ۱۹۹۰: ۱۸۰)

می‌باشد. جدال بر سر مشروعیت مرجع تصویب قانون و پیروی و تبعیت شهروندان از قوانین و مقررات مصوب، دو مشکل اساسی در جامعه ایران است (رضایی، ۱۳۸۵: ۶۲). وضعیت فوق‌بدین معناست که، در ایران هیچ‌گاه رویه‌ی واحدی براساس قانون جریان ندارد و افراد همیشه در برابر قانون یکسان نیستند. طبق نظرسنجی (نظرسنجی صداوسیما، ۱۳۷۷؛ طرح ارزش‌ها و نگرش‌ها، ۱۳۸۱؛ ایسپا، ۱۳۸۵؛ و...) که در دو دهه اخیر در ایران انجام شده است، نشان از قانون‌گریزی شهروندان در حیطه‌های نادیده‌گرفتن قوانین راهنمایی و رانندگی، پرداخت رشوه در ادارات و عدم پرداخت مالیات دارد (عزیزی و پرتویی، ۱۳۹۵: ۱۲۳). همچنین رتبه‌ی ایران در سطح جهانی در میزان و برآورد اعمال قانون بر اساس نه شاخص محدودبودن قدرت دولت، نبود فساد، نظارت منظم، عدالت کیفری، بازبودن حکومت، نظم و امنیت، حقوق اساسی و نظام عدالت غیررسمی؛ در سال ۲۰۱۴ و بین ۹۹ کشور ۸۲ می‌باشد (آگوست، ۲۰۱۴؛ به نقل از رضایی، ۱۳۸۵: ۴۳).

همجواری استان هرمزگان با کشورهای حاشیه خلیج فارس و وجود بنادر تجاری و مناطق آزاد تجاری-اقتصادی و مهاجرپذیربودن، زمینه مبادلات و تعارضات فرهنگی در استان را ایجاد کرده است. لذا در کنار توسعه شتابان صنعتی بویژه طی سال‌های اخیر، ضرورت توجه به مساله رعایت نظم و قانون را بیش از پیش نشان می‌دهد. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که عوامل و زمینه‌های اجتماعی چه رابطه‌ای با قانون‌گریزی دارند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

قانون‌گریزی^۱ نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کجروی یا انحراف از قوانین می‌شود. در همه جوامع، قانون‌گریزی به عنوان یک مسأله اجتماعی وجود دارد. قانون‌گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد (فیروزجائیان و توکلی، ۱۳۹۵: ۲۸). از آنجایی که همه افراد جامعه در طول زندگی خود حداقل از چند قاعده رسمی سرپیچی و تخطی

می‌کنند و افرادی نیز همیشه قوانین را نادیده می‌گیرند، در نتیجه، قانون‌گریزی به طیفی از رفتار اطلاق می‌شود که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید تا قانون‌گریزی گه‌گاهی، غیر خشن و ضعیف را در بر می‌گیرد. قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت^۱ نام دارد و قانون‌گریزی نوع دوم، قانون‌گریزی نرم^۲ گفته می‌شود (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۵۰). قانون‌گریزی نرم رفتارهایی را در بر می‌گیرد که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و ویژگی‌هایی مانند غیرخشنونت‌آمیز بودن، گاه‌گاهی بودن و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف بودن باشد. از این رو پیامد این نوع قانون‌گریزی آسیب‌دیدن جامعه است. این نوع قانون‌گریزی در جامعه به‌عنوان جرم در نظر گرفته نمی‌شود و عکس‌العمل منفی کمتری در برابر این نوع از قانون‌گريزان مشاهده می‌شود. قانون‌گریزی نرم به دلیل کثرت و فراوانی در انجام آن بیشتر به صورت عرف در جامعه درآمد است (سلامتیان، ۱۳۹۵: ۲۲). با تفاسیری که از انواع قانون‌گریزی ارائه شد؛ در پژوهش حاضر سه بُعد قانون‌گریزی نرم (قانون‌گریزی عمومی، قانون‌گریزی اداری، قانون‌گریزی راهنمایی و رانندگی) مدنظر است.

قانون‌گریزی عمومی

به عدم هم‌نوایی اعضای جامعه با قوانین اجتماعی، هنجارها، اخلاق اجتماعی در چارچوب قوانین و انتظارات اجتماعی اشاره دارد. که افراد قواعد و الگوهای عمل خویش را برخلاف قواعد هنجار عمومی چه صورت آگاهانه یا ناآگاهانه و چه به صورت عمد و غیرعمد تنظیم می‌کنند و در راه رسیدن به اهداف خود از هر شیوه‌ایی که امکان‌پذیر باشد حرکت و عمل می‌کنند. در این صورت ارزش‌های عام مشترک هنجارمند تحت‌الشعاع ارزش‌های ابزاری و منفعت‌طلبانه قرار گرفته و افراد نسبت به قواعد و قوانین عامی که ناظر بر تحقق این ارزش‌هاست کم توجه و بی‌اعتنا می‌شوند. به نوعی، آن دسته از اعمال غیرقانونی را در بر می‌گیرد که عاملی تهدیدی، در جهت بهبود عمومی جامعه است و اصول اخلاقی مورد پذیرش را با چالش روبه‌رو می‌کند. شمول و دامنه تخلفات در حوزه قانون‌گریزی، طیفی از رفتارهای متفاوتی چون آسیب زدن به اموال عمومی، فیلم‌برداری از مکان‌های ممنوع و رای دادن چندباره در انتخابات، استفاده از

1- Hard Law - Evasion

2- Soft Law - Evasion

دفترچه‌ی درمانی دیگری و همچنین خرید و فروش یا استفاده از مواد مخدر را در بر می‌گیرد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

قانون‌گزیزی اداری

در جامعه‌شناسی معمولاً با فساد اداری تعریف می‌شود. به نوعی فساد اداری شامل سوءاستفاده از اداره دولتی است که با زیرپا گذاشتن هنجارهای رسمی و غیررسمی به یک امتیاز غیرقانونی دست می‌یابد، زیرا نمی‌توانست به صورت قانونی به آن دست یابد. از سویی دیگر، فساد اداری تلاشی است در جهت کسب ثروت و قدرت از طریق غیرقانونی، سود خصوصی به بهای سود عمومی و همچنین سوءاستفاده از قدرت دولتی در جهت منافع شخصی. به همین خاطر است که رفتار ضداجتماعی محسوب می‌شود (ربیعی، ۱۳۸۳: ۴۳). با توجه به اینکه تعاریف گوناگونی حول مفهوم فساد اداری وجود دارد، از سویی دیگر درباره‌ی مصادیق آن نیز اجماع وجود دارد. مواردی همچون فساد مالی، کم‌کاری یا صرف وقت در اداره برای انجام کارهایی به غیر از وظیفه اصلی، استفاده شخصی از اموال دولتی، سرقت اموال عمومی، ترجیح روابط بر ضوابط، فساد در شناسایی و مبارزه با قانون‌شکنی را شامل می‌شود. تخلفات حوزه قانون‌گزیزی اداری طیفی از اعمال و رفتارهای گوناگونی چون استفاده از اموال عمومی در محل کار، درگیری و بی‌نظمی در محیط کار و تغییر متن یا تاریخ نامه اداری، ترجیح روابط شخصی و گروهی بر ضوابط قانونی را در بر می‌گیرد (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۱۸).

قانون‌گزیزی رانندگی

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی که به قوانین مادر نیز معروف‌اند در همه‌ی جوامع در جهت نظم و سامان دادن به نظام ترافیک، وضع و اجرا می‌گردند. رعایت نکردن این قوانین و مقررات، پیامدهای زیانباری برای جامعه در پی دارد که تخطی از آن‌ها قانون‌گزیزی ترافیکی محسوب می‌شود و سزاوار مجازات است. بنابراین، رفتاری که آگاهانه یا ناآگاهانه، به اختیار یا به اجبار، از سوی رانندگان، که در ترافیک شرکت می‌کنند سر می‌زند، قانون‌گزیزی رانندگی می‌گویند و خلاف قوانین و مقررات تصویب شده می‌باشد. از این‌رو، تمام قانون‌گزیزی‌ها مربوط به رانندگان نبوده و سرنشینان و عابران نیز می‌توانند مرتکب قانون‌گزیزی ترافیکی شوند. از جهتی دیگر، اگر رانندگان در

جهت رعایت تمام قواعد و قوانین راهنمایی و رانندگی بر نیابند مجازات یا جریمه نمی‌شوند. قانون‌گریزی رانندگان به دودسته قانون‌گریزی مرئی یا آشکار و نامرئی طبقه‌بندی می‌شود. قانون‌گریزی مرئی نیز خود به قانون‌گریزی ترافیکی ساکن که توسط پلیس مورد شناسایی، ثبت و جریمه قرار می‌گیرد و قانون‌گریزی ترافیکی جاری که از دایره پلیس برکنار هستند؛ تقسیم‌بندی می‌شوند. قانون‌گریزی‌هایی که ناآشکار می‌باشند و پلیس قادر به شناسایی آن نیست، قانون‌گریزی نامرئی گفته می‌شود. از سویی دیگر، میزان و نرخ قانون‌گریزی رانندگی در ایران به ویژه قانون‌گریزی نامرئی و قانون‌گریزی مرئی جاری اطلاع دقیقی در دست نیست (سلامتیان، ۱۳۹۵: ۱۵).

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی^۱

هیرشی عمل کجروی را ناشی از فقدان کنترل اجتماعی می‌داند. کنترل اجتماعی فرآیندی است که حاصل عوامل رسمی و غیررسمی و منابع مادی و غیرمادی می‌باشد؛ که زمینه‌ی پیوند افراد با هم‌نوعان و جامعه را فراهم می‌کند. به‌نظر هیرشی بهترین سازوکار کنترل اجتماعی در مقابل انحراف این است که ما با دیگران ارتباط داشته باشیم و پیوند بخوریم (تهیو^۲، ۲۰۱۳: ۱۵۸). به عبارتی بهتر، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بر این فرض استوار است که اگر مردم پیوندهای قوی با خانواده، همکلاسان، مدرسه، مذهب و سایر نهادهای اجتماعی داشته باشد، کجروی به حداقل ممکن تنزل یابد و در صورت از هم‌گسیختگی، تضعیف پیوندهای فرد با جامعه، آزادی از قیود اجتماعی، وقوع کجروی را افزایش می‌یابد. وی استدلال می‌کند آنانی که پیوند قوی با جامعه دارند، از شکستن قواعد و معیارهای آن خودداری می‌کنند و آن‌هایی که با هنجارهای جامعه پیوند ضعیفی دارند و یا هیچ پیوندی را با آن‌ها ندارند برای کجروی مستعدتر و آزادتر هستند. هیرشی عناصری از قبیل: وابستگی و دلبستگی فرد به افراد خانواده و نهادهای اجتماعی، تعهد نسبت به جامعه، مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و باور و وفاداری فرد به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را پیوند دهنده افراد به یکدیگر و جامعه می‌داند (هیرشی، ۱۹۹۶؛ به نقل از یار و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۸-۴۷).

1- Hirschi's Social Control Theory

2- Thio

نظریه پیوند افتراقی ساترلند^۱

ساترلند اصطلاح همنشینی افتراقی را به عنوان تبیینی از رفتار انحرافی به کار برد. همنشینی افتراقی بر این پیش فرض استوار شده است که رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست و به همان روشی یادگرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود. در فرایند یادگیری، معاشران فرد قواعد حقوقی را به عنوان امور مناسب یا نامناسب تعریف می‌کنند و فرد این تعاریف را از آنان یاد می‌گیرد. شخص به دلیل اینکه در معرض تعاریفی قرار می‌گیرد که قانون‌شکنی را بر احترام به قانون ترجیح می‌دهد، بزهکار می‌شود. به اعتقاد ساترلند فرایند یادگیری که شامل ارتباط و تعامل است می‌تواند همه‌ی انواع بزهکاری و جرم را تبیین نماید (مک‌کوایل^۲، ۱۳۸۵: ۳۹۴؛ به نقل از عشایری، ۱۳۹۴). خرده‌فرهنگ گروه همسالان برخلاف نهاد خانواده و آموزش بیشتر حول منافع و علایق اعضا شکل می‌گیرد و طبق نظریه فراوانی معاشرت ساترلند، رفتار انحرافی و قانون‌گریزی یادگرفتنی است و افراد با ارتباط با گروه همسالان رفتارها و کنش‌های مختلف را می‌آموزند. از نظر تارد^۳ تقلید، امری اجتماعی است و معتقد است افراد در بخش‌هایی از زندگی خود، از کسانی که تماس نزدیکی باهم دارند، تقلید می‌کند. بنابراین، زمانی که فرد با دوستانی ارتباط داشته باشد که قانون‌گریز باشند، احتمال بیشتری دارد که فرد نیز از قانون سرپیچی کند (پرتویی و عزیز، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو^۴

به اعتقاد بوردیو، ساختار اجتماعی هر جامعه سرمایه‌داری پیشرفته‌ای، همانند نوعی فضای اجتماعی پیچیده است که در آن اشکال متنوع سرمایه موقعیت‌های اجتماعی را که به گونه‌ای افقی و سلسله‌مراتبی متمایز است، تعیین می‌کند. بوردیو در مقاله اشکال سرمایه از سه نوع سرمایه اصلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نام می‌برد و برای آن‌ها از سایر سرمایه‌ها ارزش بیشتری قائل می‌شود. از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی در فضای اجتماعی معنا پیدا می‌کند. فضای اجتماعی موجودیتی غیر یکپارچه است که در آن

1 - Sutherland's Differential Association Theory

2 - McCauley

3- Gabriel Tarde

4 - Bourdieu Cultural Capital Theory

مدل‌های کوچک متمایزی از قاعده‌ها، مقررات و اشکال قدرت وجود دارد. در فضای اجتماعی عاملان بیشتر بر پایه شعور عملی رفتار انجام می‌دهند تا محاسبه عقلانی یا حرکتی درونی با نیت عمدی. در نتیجه سلسله‌ای از تمایلات، گرایش‌ها و کنش‌های گوناگون به ذهن منتقل شده که افراد از آن آگاه نیستند؛ این تمایلات پایدار و طرح‌واره‌های ادراک و ارزش‌گذاری و کنش را بوردیو عادت‌واره می‌نامد. عادت‌واره چیزی است که به افراد امکان می‌دهد به آن محیط اجتماعی روی آورند که متعلق به آن‌هاست و عاداتی را بپذیرند که با تعلق اجتماعی آنان سازگار است و این امر به معنای آن است که عادت‌واره در خلاء پدید نمی‌آید بلکه رفتارهای عاملان همواره به واسطه امور درونی شکل می‌یابد که خود بازتاب ساختارهای بیرونی‌اند. این ساختارهای بیرونی همان شبکه‌های ارتباطی هستند که جدای از آگاهی و اراده فردی هستند؛ میدان نام دارند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۴۸۰). بوردیو جهان اجتماعی را به صورت فضای اجتماعی می‌بیند و توصیف می‌کند. به نظر بوردیو تجسم فضایی جامعه امکان می‌دهد که جامعه را نه به عنوان سازوکاری طبیعی بلکه به صورت عالم تمایلات و گرایش‌ها ببینیم. فضای اجتماعی به خودی خود واقعیت ندارد و مجموعه‌ی وسیعی از مواضع سلسله مراتبی شده با توجه به چندین بُعد که در میدان‌ها ارزش محسوب می‌شود. در تعریف میدان و سرمایه از دیدگاه بوردیو، می‌توان گفت که به نظر بوردیو فضای اجتماعی موجودیتی یکپارچه ندارد که گستره‌ای از نوع خاصی از اعمال است. هر میدان شرایط بازی، موضوعات و منافع خاص خود را دارد که به وسیله‌ی رابطه سلطه و منازعه ساختار می‌یابد (شویره، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

نظریه دینداری گلاک و استارک^۱

به نظر گلاک و استارک (۱۹۶۵) به‌رغم آن که ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوت هستند، اما حوزه‌های کلی دارند که دینداری در آن حوزه‌ها و یا آن ابعاد جلوه‌گر می‌شود. آن‌ها برای دینداری پنج بُعد اصلی؛ ۱. بُعد اعتقادی، ۲. بُعد مناسکی یا عمل دینی، ۳. بُعد تجربی یا عواطف دینی، ۴. بُعد فکری یا دانش دینی، ۵. بُعد پیامدی یا آثار دینی را تحت عنوان ابعاد عمومی الزام دینی مطرح کرده‌اند (حضرتی‌صومعه، ۱۳۹۵: ۱۳۲). بُعد اعتقادی: باورهایی را در برمی‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین،

1- Glock and Stock Religiosity Theory

بدان‌ها اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین خاص، به سه نوع باور تقسیم کرده‌اند: باورهای پایه‌ای مسلم که ناظر به شهادت دادن به وجود خداوند و ذات و صفات اوست؛ باورهای غایت‌گرا که هدف و خواست خداوند از خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این هدف باز می‌نمایانند؛ و باورهای زمینه‌ساز که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی‌ای را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند، در برمی‌گیرد. بُعد مناسکی: تمام ادیان بنا بر اقتضای نوع الهیات خود، نحوه‌ی خاصی از عمل و زیست را بر مؤمن الزام می‌کنند که همان عمل دینی است. این عمل خواه‌ناخواه، در پرتو نظام فقهی و اخلاقی سامان می‌گیرد. بُعد عمل یا مناسک، اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت‌های فردی، نماز، روزه، صدقه، زکات و ... را در برمی‌گیرد (گلاک و استارک، ۱۹۶۵). بُعد تجربی یا عواطف دینی: عواطف دینی، در عواطف، دریافت‌ها و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. بُعد فکری یا دانش دینی: با بُعد عقیدتی بسیار نزدیک است. تفاوت این دو بُعد مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بُعد دانش است. معرفت دینی، آگاهی به متون دینی است که می‌تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه‌ی دینی باشد. از نظر گلاک و استارک، بُعد معرفتی مطالبی است که مردم از طریق عالمان دینی درباره‌ی مذهب می‌آموزند (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۳). بُعد پیامدی یا آثار دینی: بُعد پیامدی دینداری به اعمالی گفته می‌شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می‌گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش‌های بشر است. از نظر این دو محقق، بررسی بُعد پیامدی جدا از سایر ابعاد امکان‌پذیر نیست. رفتارهای دینی می‌توانند در معنای پیامدی سنجه‌ای از دینداری باشند که به استواری ایمان مذهبی منجر می‌شود (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۴).

با توجه به اینکه هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند به طور کامل همه‌ی واقعیت‌های موجود را تبیین کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که پژوهشگر خود باید به تلفیق نظریه‌ها دست بزند و با استفاده از چند نظریه وارد عرصه‌ی تحقیق شود و به دنبال راه‌حل نظری برای مسئله باشد. در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع از نظریه‌های کنترل اجتماعی هیرشی، آنومی دورکیم و پیوند افتراقی‌ساترلند استفاده شده است. گویه‌ها و متغیر قانون‌گریزی ماحصل نظریات آنومی دورکیم و کنترل اجتماعی هیرشی است؛ و همچنین

متغیر ارتباط با گروه‌همسالان، دینداری و سرمایه‌فرهنگی به ترتیب از نظریه ساترلند، گلارک و استارک و بورديو استخراج شده است. از آنجایی که پیوند اجتماعی سبب تقویت هویت و انسجام اجتماعی می‌شود، لذا متغیر هویت نیز از نظریه نظارت اجتماعی هیرشی اقتباس شده است.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان عوامل «جامعه‌شناختی مؤثر بر قانون‌گریزی با تأکید بر ابعاد اداری و مالی» انجام دادند؛ به این نتیجه رسیدند که هرچه افراد مشارکت اجتماعی و تعاملات و پیوندهای اجتماعی بیشتر داشته باشند و شاهد اجرای عدالت توأم با بی‌طرفی، عدم تبعیض و احترام از سوی مجریان قانون و نیز احساس و درک بیشتر از وجود آزادی در جامعه داشته باشند، احساس بی‌هنجاری کمتر خواهند کرد و هم‌زمان پنداشت عام‌تر و مثبت‌تری نسبت به قانون و قانون‌گرایی خواهند داشت؛ به صورتی که قانون‌شکنی به‌عنوان یک امر فرهنگی و هنجاری منفی در نزد آنان تجلی می‌یابد. همچنین، پرتویی و عزیزی (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با میزان قانون‌گریزی (مطالعه موردی: شهروندان شهر مریوان در سال ۹۴-۱۳۹۳)» انجام دادند؛ به این نتیجه رسیدند که پایگاه اقتصادی-اجتماعی، پابندی اعضای خانواده و گرایش گروه دوستان به قانون با قانون-گریزی رابطه معکوس و معناداری دارد؛ همچنین یافته‌ها مبین وجود رابطه مستقیم و معناداری بین مدت زمان سکونت با قانون‌گریزی بود؛ علاوه بر آن، یافته‌ها نشان داد که میزان قانون‌گریزی مردان از زنان و افراد مشاغل آزاد از مشاغل دولتی بیشتر بوده است. فیروزجائیان و توکلی (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی در راندگی با تأکید بر نظریه کنترل اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر نکا)» انجام دادند؛ به این نتیجه رسیدند که بین میزان تحصیلات، درآمد، سابقه راندگی فرد و همچنین بین ابعاد وضعیت پیوند اجتماعی (اعتقاد به قانون، پیوستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تعهد اجتماعی) با قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون نشان داد که متغیرهای مذکور تنها ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (قانون‌گریزی در راندگی) را تبیین می‌کند. علاوه بر آن، ملایی‌پور و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان «بررسی رابطه سبک‌زندگی و سرمایه فرهنگی با میزان تخلفات راندگی» دریافتند بین سبک زندگی و سرمایه

فرهنگی با تخلفات رانندگی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که بالا رفتن سبک زندگی و سرمایه فرهنگی، سبب کاهش تخلفات رانندگی می‌شود. در پژوهشی که محمدی‌نیکو و علی‌محمدی (۱۳۹۲)، در شهر گرگان با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی» انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین ارتباط با گروه همسالان و دوستان، عوامل اقتصادی، طبقه اجتماعی، عوامل اجتماعی و فرهنگی با گرایش به قانون‌گریزی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین میزان رضایت مردم از عملکرد نیروی انتظامی، اعتقادات دینی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

زوتوله-تروان^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه خود به «بررسی اثرات تشکیل خانواده بر اعمال مجرمانه ۵۴۰ زن و مرد در هلند» پرداختند. تحلیل داده‌ها درباره مردان نشان داد که ازدواج و صاحب فرزند شدن، سبب دوری مردان از جرائم می‌شود؛ ولی آمارها نشان داد وضعیت تأهل و مادر شدن تأثیری بر رفتار مجرمانه زنان ندارد. ورال^۲ و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر میانه کنترل اجتماعی غیررسمی در ضمانت اجرایی قانون» از جوانان درخواست کردند که احتمال کلی را در مورد این که آن‌ها تحت شرایطی با کنترل اجتماعی غیررسمی بالا و پایین در حالت مستی رانندگی کنند را گزارش دهند؛ و سپس تأثیر اطمینان از تنبیه و شدت تنبیه بر احتمال تخلف در هر دو شرایط را بررسی کردند. نتایج تحقیق نشان می‌داد که در میان متخلفان قابل بازداشت ارتباط بین شدت و پیروی از ظاهر تنها در هنگام اجرای کنترل غیر رسمی بالا وجود دارد. اطمینان از تنبیه به طور معنادار و معکوسی با احتمال تخلف در هر دو شرایط کنترل اجتماعی غیررسمی بالا و پایین رابطه داشت. آگینو^۳ (۲۰۱۱)، در پژوهشی بر روی ۱۷۲۵ نفر از دختر و پسر ۱۷-۱۱ ساله به منظور «بررسی تأثیر متغیر رفتار همسالان، شاخص‌های دلبستگی به دوستان، مدت زمان صرف شده با آن‌ها، اصرار دوستان برای ارتکاب به قانون‌گریزی و ارتباط آن با قانون‌گریزی» به این نتیجه رسیدند که فشار دوستان، معاشرت با آن‌ها، مدت زمان صرف‌شده با دوستان افراد را به سمت قانون‌گریزی سوق می‌دهد. علاوه بر آن، لوژین کوان^۴ (۲۰۰۸) در پژوهشی تحت عنوان

1- Zoutewelle

2 - Veral

3- Agnew

4 - Loojin Kovan

«دین و گرایش به قانون» به این نتیجه دست یافت که دین با محور قرار دادن آموزه‌های دینی به عنوان معیار و هنجار مطلوب رفتار، به کنترل رفتار و روابط اجتماعی طیف وسیعی از انسان‌ها پرداخته و با توجه به قدرت بازدارندگی، از بروز آسیب‌های اجتماعی و قانون‌گریزی جلوگیری می‌کند. همچنین عقاید و باورها، احکام و مناسک دینی تأثیر مثبت و معناداری بر قانون‌گرایی و اطاعت از قوانین دارد؛ بدین معنا که با افزایش دینداری، میزان پای‌بندی به قانون نیز افزایش می‌یابد.

مدل مفهومی پژوهش



شکل شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه جوانان ۱۸-۳۵ سال ساکن بندرعباس می‌باشد؛ که طبق اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن سال (۱۳۹۵) برابر با ۵۴۳۲۱۸ نفر بوده است. با توجه به موضوع پژوهش حاضر، واحد مشاهده و تحلیل فرد (جوان) پاسخگو است. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد؛ و بر اساس این جدول حجم نمونه برابر با ۳۸۳ نفر بوده است که برای اطمینان بیشتر و رفع مشکلات احتمالی مانند پرسشنامه‌های بی‌پاسخ، پرسشنامه‌های گمشده و... حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده بوده است. بدین ترتیب ابتدا از بین مناطق، بلوک‌ها و کوچه‌ها، انتخاب شدند. سپس خانه‌ها به طور تصادفی انتخاب شده و پرسشنامه‌ها در بین

نمونه‌های مورد نظر که جوانان بودند، توزیع و اطلاعات جمع‌آوری گردید. در این پژوهش از پرسشنامه محقق‌ساخته برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است و سؤالات پرسشنامه به صورت سؤالات چند گزینه‌ای و در قالب طیف لیکرت از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف طراحی شده است. پرسشنامه از دو بخش سؤالات جمعیت‌شناختی (جنس، سن، وضعیت تأهل، درآمد، منطقه مسکونی) و ۵۱ سؤال برای سنجش متغیرهایی همچون قانون‌گریزی، سرمایه فرهنگی، گروه همسالان، دینداری، هویت فردی تشکیل شده است. جهت سنجش پایایی پژوهش حاضر، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای به دست آمده (۰/۷۶) بوده که بیانگر سطح قابل قبولی از ابزارهای اندازه‌گیری پژوهش حاضر می‌باشد. همچنین، جهت تعیین روایی تحقیق از روایی صوری، مشاوره متخصصان و اساتید و روایی محتوایی استفاده شده است و برای اطمینان بیشتر، از پژوهش‌های نظری و تجربی پیشین نیز بهره‌گرفته شده است. در نهایت با استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری پژوهش، داده‌های گردآوری شد و پس از تشکیل ماتریس داده‌ها در نرم‌افزار Spss24 با بهره‌گیری از آماره‌های توصیفی و استنباطی به توصیف و تحلیل داده‌ها پرداخته شد.

جدول شماره ۱۰. ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

شاخص	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
قانون‌گریزی	۱۳ گویه	۰/۷۷
سرمایه فرهنگی	۱۹ گویه	۰/۸۳
گروه همسالان	۷ گویه	۰/۶۸
دینداری	۶ گویه	۰/۷۶
هویت فردی	۶ گویه	۰/۶۹
میانگین		۰/۷۶

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای پاسخگویان

متغیر	شاخص	فراوانی	درصد	تعداد
جنسیت	زن	۱۷۰	۴۲/۵	۴۰۰
	مرد	۲۳۰	۵۷/۵	۴۰۰
وضعیت تأهل	مجرد	۲۲۷	۵۶/۸	۴۰۰
	متأهل	۱۵۱	۳۷/۸	۴۰۰
	سایر	۲۲	۵/۵	۴۰۰
درآمد	کمتر از ۱ میلیون تومان	۲۰	۵/۰	۴۰۰
	بین ۱ تا ۲ میلیون تومان	۷۲	۱۷/۹	۴۰۰
	بین ۲ تا ۳ میلیون تومان	۱۳۱	۳۲/۷	۴۰۰
	بین ۳ تا ۴ میلیون تومان	۱۰۴	۲۶/۰	۴۰۰
	بیش از ۴ میلیون تومان	۷۳	۱۸/۴	۴۰۰
منطقه مسکونی	منطقه یک	۱۷۶	۴۴/۰	۴۰۰
	منطقه دو	۱۰۸	۲۷/۰	۴۰۰
	منطقه سه	۱۱۶	۲۹/۰	۴۰۰
گروه سنی	۱۸-۲۱	۷۹	۱۹/۸	۴۰۰
	۲۲-۲۵	۱۰۳	۲۵/۸	۴۰۰
	۲۶-۲۹	۱۰۹	۲۷/۳	۴۰۰
	۳۰-۳۵	۱۰۹	۲۷/۳	۴۰۰

جدول شماره ۳. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مقیاس‌ها	میانگین	انحراف معیار	واریانس
سرمایه فرهنگی	۵۵/۴۴	۱۱/۶۶	۱۳/۶۰
میزان دینداری	۲۱/۷۸	۴/۲۸	۱۸/۳۶
ارتباط با گروه همسالان	۲۱/۰۹	۴/۳۴	۱۸/۸۳
هویت فردی	۲۲/۵۴	۳/۹۱	۱۵/۲۹
قانون‌گریزی راهنمایی‌وراندگی	۱۵/۱۹	۲/۸۶	۸/۱۷
قانون‌گریزی اداری	۱۷/۲۷	۳/۶۷	۱۴/۹۵
قانون‌گریزی عمومی	۲۰/۳۲	۳/۰۱	۹/۰۷
قانون‌گریزی کل	۴۸/۹۷	۷/۸۳	۶۱/۳۳

ب) یافته‌های استنباطی

رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و قانون‌گریزی

جدول شماره ۴. نتایج آزمون تی رابطه جنسیت با قانون‌گریزی

متغیر	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
جنس	زن	۵۷/۵۸	۳۹۹	۰/۰۰۰
	مرد			
	۴۹/۵۶			
	۴۸/۵۳			

جدول شماره ۴، نشان‌دهنده رابطه جنسیت پاسخگویان و میزان قانون‌گریزی است. نتایج آزمون t نشان می‌دهد که میانگین قانون‌گریزی بین زنان و مردان متفاوت است و مردان کمتر از زنان به قانون پایبند هستند.

برای بررسی رابطه بین سن پاسخگویان و میزان قانون‌گریزی از همبستگی پیرسون استفاده شده است، نتایج نشان می‌دهد که از نظر آماری بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین فرضیه رابطه میزان درآمد و قانون‌گریزی نیز نشان داد که رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر وجود ندارد.

جدول شماره ۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس متغیرهای جمعیت‌شناختی با قانون‌گریزی

متغیر	طبقات	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
وضعیت تأهل	مجرد	۴۸/۷۱	۷/۷۲	۱/۱۰۴	۰/۳۵۴
	متاهل	۴۹/۰۳	۸/۲۴		
	سایر	۵۱/۲۷	۵/۸۱		
منطقه مسکونی	منطقه یک	۴۹/۷۸	۷/۴۴	۴/۱۶۹	۰/۰۱۶
	منطقه دو	۴۹/۵۴	۷/۹۰		
	منطقه سه	۴۸/۹۷	۸/۱۴		

تحلیل واریانس متغیر قانون‌گریزی براساس وضعیت گروه‌های تأهل نشان می‌دهد که قانون‌گریزی در بین مجردها و متأهلین از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارد. به عبارت دیگر میانگین قانون‌گریزی در بین گروه‌های وضعیت تأهل تفاوتی ندارد.

همچنین جدول شماره ۵، تفاوت میانگین قانون‌گریزی برحسب منطقه مسکونی را نشان می‌دهد. براساس نتایج تحلیل واریانس، افراد ساکن در منطقه یک با میانگین (۴۹/۷۸) از افراد ساکن در منطقه دو (۴۹/۵۴) و منطقه سه (۴۸/۹۷) قانون‌گریزترند.

رابطه بین عوامل اجتماعی و قانون‌گزینی

جدول شماره ۶. رابطه‌ی متغیرهای مستقل با قانون‌گزینی

قانون‌گزینی					
متغیر	تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی	جهت رابطه	تأیید یا عدم تأیید
ارتباط با گروه‌همسالان	۴۰۰	۰/۰۰۴	۰/۱۴۲**	مثبت	تأیید رابطه
هویت فردی	۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۱۹**	مثبت	تأیید رابطه
دینداری	۴۰۰	۰/۲۳۰	۰/۰۶۰	مثبت	عدم تأیید رابطه
سرمایه‌فرهنگی	۴۰۰	۰/۲۹۴	۰/۰۵۳	مثبت	عدم تأیید رابطه

داده‌های جدول شماره شش، بیانگر نتایج همبستگی پیرسون بین گروه همسالان و میزان قانون‌گزینی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی در این رابطه (۰/۱۴۲) و سطح معنی‌داری (۰/۰۴) می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت هر چقدر رابطه با گروه همسالان بیشتر باشد، میزان قانون‌گزینی نیز بیشتر می‌شود.

برای بررسی رابطه بین هویت فردی و میزان قانون‌گزینی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که در جدول ۶ گزارش شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بین این دو متغیر رابطه مثبت و معنی‌داری با میزان ضریب همبستگی (۰/۴۱۹) وجود دارد؛ بدین معنا که هر چقدر شاخص‌های هویت فردی بین پاسخگویان بیشتر باشد میزان قانون‌گزینی نیز بیشتر خواهد شد.

آزمون فرضیه رابطه بین دینداری و میزان قانون‌گزینی نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر در سطح (۰/۰۵) وجود ندارد. به عبارت دیگر یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دینداری نتوانسته است تأثیری بر قانون‌گزینی شهروندان داشته باشد.

طبق یافته‌های به دست‌آمده از جدول فوق می‌توان گفت که از نظر آماری بین متغیر سرمایه فرهنگی و قانون‌گزینی رابطه معناداری وجود ندارد. با توجه به سطح معناداری پذیرفته شده در علوم اجتماعی (۰/۰۵) و همچنین سطح معناداری به دست‌آمده (۰/۲۹۴) می‌توان گفت بین متغیر سرمایه فرهنگی و قانون‌گزینی از لحاظ آماری

رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج پژوهش کاشانی و همکاران (۱۳۸۹) تأییدکننده آزمون این فرضیه است.

تحلیل رگرسیون

در این پژوهش از رگرسیون چندمتغیره و روش گام به گام برای تعیین متغیرهایی که بهتر می‌توانند تبیین‌کننده‌ی متغیر وابسته باشند، بهره گرفته شده است.

جدول شماره ۷. ضرایب رگرسیونی مدل تبیین‌کننده‌ی میزان قانون‌گریزی

شاخص‌ها	R	R ²	F	Sig
ضرایب	۰/۴۳۲	۰/۱۸۷	۱۵/۰۲۸	۰/۰۰۰
متغیرها	سطح معناداری	B	Beta	T
سرمایه فرهنگی	۰/۸۸۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۱۴۳
هویت فردی	۰/۰۰۰	۰/۸۰۸	۰/۴۰۳	۸/۶۰۶
میزان دینداری	۰/۷۰۸	۰/۰۳۲	۰/۰۱۷	۰/۳۷۵
گروه همسالان	۰/۰۳۰	۰/۱۸۲	۰/۱۰۱	۲/۱۸۲
درآمد خانوار	۰/۷۰۱	۰/۱۲۵	۰/۰۱۸	۰/۳۸۴
سن پاسخگو	۰/۸۲۲	۰/۰۷۵	۰/۰۱۰	۰/۰۲۲۶

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که میزان F مدل فوق (۱۵/۰۲۸) و میزان معناداری آن برابر (۰/۰۰۰) بوده و نشان‌دهنده‌ی معناداری کل مدل می‌باشد. با مقایسه ضرایب رگرسیونی (Beta) مشخص می‌شود که بیشترین تأثیر متغیر هویت فردی بر میزان قانون‌گریزی دارد؛ هویت فردی (Beta=۰/۴۰۳) واریانس میزان قانون‌گریزی در شهر بندرعباس را تبیین کرده است؛ بدین معنا که با کنترل سایر متغیرهای پژوهش، به ازای هر واحد انحراف معیار در هویت فردی، (۰/۴۰۳) درصد واحد انحراف معیار در قانون‌گریزی افراد تغییر به وجود می‌آید. همچنین متغیر گروه همسالان نیز در مرتبه دوم تأثیرگذاری بر میزان قانون‌گریزی قرار دارند؛ که می‌توان بدین‌گونه تحلیل کرد که با افزایش هر واحد انحراف معیار در ارتباط با گروه همسالان، (۰/۱۰۱) درصد واحد انحراف معیار در قانون‌گریزی افراد نیز افزایش خواهد یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، تحلیل پدیده قانون‌گریزی و بررسی عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان ۱۸-۳۵ سال بندرعباس می‌باشد. آنچه مسلم است اینکه بیشتر افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون‌گریزی نرم می‌شوند، زیرا این نوع قانون‌گریزی به دلیل ویژگی‌هایی که دارد راحت‌تر در جامعه انجام می‌پذیرد و به شکل عادت و امری معمول و حتی پذیرفته‌شده از دیدگاه عموم مردم درآمده است (بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۱۳). با توجه به میانگین قانون‌گریزی به دست آمده (۳/۰۴) می‌توان گفت جوانان ساکن شهر بندرعباس بطور متوسط، قانون‌گریز هستند. همچنین مقدار میانگین حاکی از آن است که به ترتیب قانون‌گریزی عمومی (آسیب زدن به اموال عمومی، فیلم برداری از مکان‌های ممنوع، استفاده از دفترچه‌ی درمانی دیگری)، اداری (استفاده از اموال عمومی در محل کار، ترجیح روابط شخصی و گروهی بر ضوابط قانونی، رشوه دادن به مأموران دولتی) و راهنمایی و رانندگی (قانون‌گریزی‌ها مربوط به رانندگان، سرنشینان و عابران اعم از سرعت و سبقت غیرمجاز، عبور از چراغ قرمز) بیشترین فراوانی را در بین آزمودنی‌ها دارد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیرهایی همچون وضعیت‌تأهل، سن، درآمد، سرمایه فرهنگی و دینداری بر میزان قانون‌گریزی تأثیر ندارند؛ چرا که امروزه بخشی از ناهنجاری‌ها اعم از تخلف از قواعد راهنمایی و رانندگی، عدم پرداخت مالیات، رشوه دادن به مأموران دولتی و... که در گذشته تابو و نابهنجار شمرده می‌شد، امروزه عمومیت یافته‌است. به عبارت دیگر هنجارشکنی در صورت تکرار همانند هر رفتار اجتماعی دیگری در نظر گرفته می‌شود که احتمالاً دارای کارکرد است و باعث بقا و دوام نظام می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱؛ به نقل از لیسکا و مسنر، ۱۹۹۹).

نتایج تحقیق همچنین نشان داد که میانگین قانون‌گریزی در بین زنان و مردان متفاوت است و مردان نسبت به زنان قانون‌گریزتر هستند؛ زیرا مردان مجموعه متمایزی از ارزش‌هایی دارند که رفتار انحرافی آن‌ها را تأیید می‌کند (پرتویی و عزیزی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). همچنین مردان بیشتر در عرصه‌ی عمومی حاضرند و از نظر اجتماعی فعال‌ترند. مردان در ساخت جنسیتی مردسالارانه زیست می‌کنند و لذا جسورتر، بی‌محاباتر و

آزادانه‌تر رفتار می‌کنند و همین امر، افزایش قانون‌گریزی را به همراه خواهد داشت. نتایج پژوهش میرزایی و همکاران (۱۳۹۶)، عزیزی و پرتویی (۱۳۹۵)، مختاری و همکاران (۱۳۹۰)، میرفردی و همکاران (۱۳۹۱)، حیدری و همکاران (۱۳۹۱) تأییدکننده‌ی رابطه فوق می‌باشد.

فرضیه تأثیرگروه همسالان بر قانون‌گریزی نشان داد که هر چقدر ارتباط با گروه همسالان بیشتر باشد، قانون‌گریزی نیز بیشتر خواهد شد. نتایج پژوهش نوابخش و کریمی (۱۳۹۶)، محمدی (۱۳۹۲)، اگینو (۲۰۱۱)، لانکشر و دیگران (۲۰۰۴)، فریر (۲۰۰۹)، مبنی بر رابطه گروه همسالان با قانون‌گریزی تأییدکننده نتایج پژوهش حاضر می‌باشد. با افزایش رابطه با گروه دوستان از نفوذ نهاد خانواده و والدین کاسته می‌شود. خرده‌فرهنگ گروه همسالان برخلاف نهاد خانواده و آموزش بیشتر حول منافع و علایق اعضا شکل می‌گیرد و طبق نظریه فراوانی معاشرت ساترلند، رفتار انحرافی و قانون‌گریزی یادگرفتنی است. بنابراین، زمانی که فرد با دوستانی ارتباط داشته باشد که قانون‌گریز باشند، احتمال بیشتری دارد که فرد نیز از قانون سرپیچی کند. خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری افراد باید مستحکم باشد و ارزش‌های خانواده تقویت شود؛ و قدرت و نفوذ خود را حفظ کند تا فرزندان با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه همسو شوند. همچنین آموزش و پرورش به‌عنوان یکی دیگر از نهادهای جامعه‌پذیرکننده افراد باید به آموزش‌همگانی و افزایش مهارت و آگاه‌سازی، جوانان را به سوی هنجارها و عرف مقبول جامعه هدایت کند و مانع از تأثیر بیش از حد گروه همسالان بر فرآیند جامعه‌پذیری افراد شود. چرا که ارزش‌ها و خرده‌فرهنگ‌های پذیرفته‌شده در گروه همسالان اغلب با ارزش‌های جامعه مغایرت دارد؛ که همین امر سبب قانون‌گریز شدن افرادی می‌شود که بیشترین تعامل و معاشرت با گروه دوستان دارند. به‌عبارتی بهتر خانواده به‌عنوان نخستین مکان اجتماعی شدن، همواره تأثیری ژرف بر فرد داشته است. ویژگی شخصی و اجتماعی هر فرد در متن خانواده شکل می‌گیرد. نهاد خانواده نخستین منبع یادگیری اجتماعی فرد است. هنگامی که والدین به یک ارزش و هنجار اجتماعی پایبند باشند و آن‌ها را در رفتار و اعمال خود به کار گیرند، فرزندان آن خانواده هم با آن ارزش‌ها و هنجارها آشنا شده و آن را در زندگی و رفتارهای خود به کار می‌گیرند؛ بنابراین خانواده از طریق نهادینه‌کردن فرهنگ

قانون‌مداری و انتقال درست ارزش‌ها می‌تواند این اصل مهم را به فرزندان آموزش دهد؛ و با تأثیر ژرف بر رفتار فرزندان از تأثیر گروه‌همسالان بر افراد بکاهد.

از دیگر یافته‌های تحقیق رابطه مثبت و معنادار هویت فردی و قانون‌گریزی بود. با افزایش هویت فردی؛ احساس تعلق، هویت اجتماعی و... کاهش می‌یابد که در نهایت منجر به بروز قانون‌گریزی بیشتر خواهد شد. این نتایج با یافته‌های لانکشر و همکاران (۲۰۰۴)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۶) هم‌سو می‌باشد. هیرشی اظهار می‌دارد؛ یکی از عناصر مهم سرمایه‌ی اجتماعی، پیوند اجتماعی است. سرمایه‌اجتماعی منابع بالفعل و بالقوه، شبکه‌ی رابط و تعاملات در دسترس فرد است که به‌واسطه‌ی آن شخص با دیگران و اطرافیان پیوند و ارتباط برقرار می‌کند و ارتباطات رسمی و غیررسمی را تسهیل می‌کند. پیونداجتماعی و روابط اجتماعی امکان شکل‌دهی همبستگی‌گروهی، اعتمادکنندگی، اعتمادپذیری کنشگران و دل‌بستگی و تعلق‌خاطر، احساس مسئولیت، تعهد فرد به جمع و... را مهیا می‌کند و در نتیجه سازوکار کنترل و نظارت‌اجتماعی برای سمت‌دهی به سلوک اجتماعی، افزایش می‌یابد. در نهایت طبق نظریه پیوند اجتماعی هیرشی می‌توان این‌گونه استدلال کرد که با کاهش هویت اجتماعی پیوند فرد با جامعه تضعیف می‌شود؛ که در این شرایط فرد برای رفتارهای انحرافی و قانون‌شکنی مستعدتر می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت متغیر هویت فردی بیشترین تبیین‌کنندگی بر قانون‌گریزی داشته است.

در نهایت، با بهره‌گیری از روش رگرسیون چندمتغیره به‌صورت همزمان مشاهده گردید که تنها دو متغیر هویت فردی (۰/۴۰۳) و گروه‌همسالان (۰/۱۰۱) توانستند وارد معادله شوند و در مجموع (۰/۱۸۷) درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

پیشنهادها

- توانمندسازی خانواده‌ها برای انتقال آموزه‌های شهروندی و قانون‌گرایی به فرزندان. در این راستا، آموزش و تعلیم قوانین به خانواده‌ها به عنوان مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری از طریق رسانه‌های جمعی و برگزاری جلسات محله‌ای و برنامه‌های اجتماع محور می‌تواند مفید واقع گردد؛
- با توجه به تأثیر گروه دوستان بر پدیده قانون‌گریزی، خانواده‌ها بر فرایند دوست‌یابی فرزندان خود کنترل بیشتری نمایند؛
- دولت با اعمال اهرم‌های تشویقی از جمله در اختیار قرار دادن بودجه و امکانات لازم برای احداث اماکن مناسب برای برپایی انجمن‌های محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین تشویق مردم از طریق رسانه‌های گروهی برای همکاری و مشارکت فعال در این انجمن‌ها و سازمان‌ها، مردم را به سمت مشارکت‌های اجتماعی و گرایش‌های دیگرخواهانه سوق دهد که در نهایت باعث تقویت هویت جمعی تقویت شود؛
- با توجه به ساختارسنی جمعیتی؛ که نیمی از جمعیت کشور را جوانان تشکیل داده‌اند، نظام آموزشی با ایجاد فرهنگ قانون‌پذیری در جامعه؛ از طریق گنجاندن درس قانون و قانون‌پذیری در کتاب‌های درسی و ارائه آموزش‌های لازم به منظور نهادینه‌شدن احترام به قانون اقدام کند.

تقدیر و تشکر

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از شهروندان و جوانان محترم شهر بندرعباس که در انجام این پژوهش با ما همکاری کردند، تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

- ایار، علی؛ نظری، م. رضا و خانی، سعید (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم (مطالعه موردی زندان دره‌شهر). فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، (۴۰)، صص ۶۰-۳۹. قابل بازیابی از:
http://sss.jrl.police.ir/article_11926.html
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۶). مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: انتشارات شیرازه.
- آشتیانی، منوچهر (۱۳۸۱). درباره برخی از علل تاریخی عدم حاکمیت قانون در جامعه ایران، معمای حاکمیت قانون در ایران. تهران: انتشارات طرح نو.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیپناه، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- خیری، الهام (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای وضعیت توسعه فرهنگی و سرمایه فرهنگی در شهر جدید پرنده و رباط کریم. پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد گرایش برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳). زنده‌باد فساد. تهران: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سراج زاده، سید حسین (۱۳۸۳). چالش‌های دین و مدرنیته. تهران: طرح نو.
- سلامتیان، درنا (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی روانی مرتبط با قانون‌گریزی در رانندگی (مورد مطالعه: رانندگان ۲۰-۶۴ شهر شیراز). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی گرایش جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- شویره، کریستین و فونتین، اولیویه (۱۳۸۵). واژگان بوردیو. ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- عزیزی، سلام و پرتویی، لطیف (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با میزان قانون‌گریزی (مطالعه موردی: شهروندان شهر میروان در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۳). مطالعات جامعه‌شناختی، صص ۱۳۳-۱۱۳. قابل بازیابی از:
http://jss.iaut.ac.ir/article_525196.html
- عشایری، طاهاه؛ عباسی، الهام؛ نطقی کاشانی، علیرضا و پیرحیاتی، نرگس (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی شهروندان استان اردبیل. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال هفدهم، صص ۱۹۴-۱۷۲. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/file/download/article/20161225120409-9967-50.pdf>

- علی‌بابایی، یحیی و فیروزجائیان، علی‌اصغر (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی. دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره چهارم، صص ۷۴-۵۸. قابل‌بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=139538>
- علیخواه، فردین (۱۳۸۱). نقش صداوسیما در ترویج رفتار قانون‌مند. طرح تحقیقاتی، تهران: مؤسسه تحقیقات صداوسیما.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر و توکلی، جواد (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی در رانندگی با تأکید بر نظریه کنترل اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهرنکا). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۳)، صص ۴۰-۲۵. قابل‌بازیابی از: https://journals.ui.ac.ir/article_20953.html
- قاضی‌نژاد، م و اکبرنیا، ا (۱۳۹۶). دینداری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی، پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، (۱) ۶، صص ۴۰-۲۱.
- کاشانی، شمس؛ عباس‌زاده، محمد و میرزایی، حسین (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی رابطه انواع سرمایه‌ها با میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در بین رانندگان حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر میانه. مطالعات جامعه‌شناسی، (۸) ۲، صص ۱۰۸-۹۳. قابل‌بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=263421>
- گرامی، فتح‌اله (۱۳۹۱). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و منزلت اجتماعی دبیران متوسطه خلخال. پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی‌ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، (۱۷) ۱، صص ۱۰۸-۸۳. قابل‌بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=177867>
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران (قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمدی‌مقانکی، لادن (۱۳۹۴). رابطه سرمایه‌فرهنگی و مصرف موسیقی هنرجویان موسیقی. پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی‌ارشد گرایش جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- محمدی‌نیکو، اکرم و علی‌محمدی، غلامعلی (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در بین شهروندان شهر گرگان. فصلنامه علمی دانش انتظامی گلستان، (۱۴) ۴، صص ۴۱-۸. قابل‌بازیابی از: http://golestan.jrl.police.ir/article_16056.html

- مختاری، مریم و قهرمانی، مریم (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر امکان قانون‌گریزی در روابط اداری (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر شیراز). راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱(۱)، صص ۱۴۶-۱۲۷. قابل‌بازیابی از:
<http://noo.rs/6E294>
- مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۷). نظرسنجی از مردم تهران درباره میزان قانون‌پذیری و چگونگی رعایت قانون. قابل‌بازیابی از:
<http://iribresearch.ir/fa/>
- مک‌کوایل، دنیس (۱۳۸۵). نظریه‌ی ارتباطات جمعی. ترجمه پرویز اجلائی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه‌ی سازمان‌ها.
- ملایی‌پور، ابراهیم؛ گروسی، سعیده و ملایی، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی رابطه میزان سبک‌زندگی و سرمایه فرهنگی با میزان و نوع تخلف رانندگی در بین شهروندان شهر کرمان در سال ۹۳. همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی، صص ۲۲-۱. قابل‌بازیابی از:
<https://civilica.com/doc/593366/>
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- میرزایی، ابراهیم؛ احمدی، یعقوب؛ بخارایی، احمد و ناییبی، هوشنگ (۱۳۹۶). قانون‌گریزی و پیوندهای اجتماعی: (مطالعه موردی: شهر اهواز). جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۸(۳)، صص ۹۷-۱۲۳. قابل‌بازیابی از:
http://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_2856.html
- میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس و امیری، راضیه (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و آگاهی ترافیکی با نظم‌گریزی عابران پیاده (مورد مطالعه: شهر یاسوج). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۶(۲)، صص ۴۰-۲۵. قابل‌بازیابی از:
<http://noo.rs/8lmm8>
- میرفردی، اصغر؛ مختاری، مریم؛ فرجی، فروغ و دانش‌پذیر، هومان (۱۳۹۴). بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی (مورد مطالعه شهر یاسوج). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۴(۲)، صص ۲۰-۱. قابل‌بازیابی از:
https://ssoss.ui.ac.ir/article_17126.html
- نوابخش، مهرداد و کریمی، فاروق (۱۳۹۶). قانون‌گریزی و عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر مریوان). فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۱۳(۳۶)، صص ۹۷-۱۲۱. قابل‌بازیابی از:
magiran.com/p2040532
- وثوقی، منصور و نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۸۳). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات بهینه.

– رضایی، محمد (۱۳۸۵). میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۳)، صص ۴۷-۶۹. قابل بازیابی از:

http://www.jsi-isa.ir/article_25402.html

- Agnew, R., & Brezina, T. (1997). Relational problems with peers, gender, and delinquency. *Youth & Society*, 29(1), 84-111. doi: 10.1177/0044118X97029001004.
- Agrast, M., Juan, C. B., Joel, M., Alejandro P., & Christine S. P. (2014). WJP Rule of Law Index. 2014. https://worldjusticeproject.org/sites/default/files/files/wjp_rule_of_law_index_2014_report.pdf.
- Anderson, p. (1990). A Culture in counter Flow, *New Left Review*: 180. <https://newleftreview.org/issues/i180/articles/perry-anderson-a-culture-in-contraflo-w-i>.
- Ferrar, J. W. (1976). The dimensions of tolerance. *Pacific Sociological Review*, 19(1), 63-81. <https://doi.org/10.2307/1388742>.
- Forward, S. E. (2009). An assessment of what motivates road violations. *Transportation research part F: traffic psychology and behaviour*, 12(3), 225-234. <https://doi.org/10.1016/j.trf.2008.12.003>.
- Glock, C. Y.; Stark, R. 1965. Religion and society in tension: Chicago: Rand McNally.
- Hirschi, T. (1969). Causes of delinquency, Berkeley and Los Angeles, University of Psychological Factors of Law-abiding Behavior. Journal of Hubei California Press.
- Lawson, T., & Heaton, T. (1999). Crime and deviance: Macmillan International Higher Education. <https://www.macmillanihe.com/page/detail/Crime-and-Deviance/?K=9780230217829>.
- Longshore, D., Chang, E., Hsieh, S.-c., & Messina, N. (2004). Self-control and social bonds: A combined control perspective on deviance. *Crime & Delinquency*, 50(4), 542-564. <https://doi.org/10.1177%2F0011128703260684>.
- Organization, W. H. (2002). Challenge of Adolescent Sexual Develop. Geneva: WHO pub.
- Sampson, R. J., & Groves, W. B. (1989). Community structure and crime: Testing social-disorganization theory. *American journal of sociology*, 94(4), 774-802. <https://www.journals.uchicago.edu/doi/abs/10.1086/229068>.
- Thio, A. (2001). *Deviant Behavior* (6th Ed Ed.). Boston: Allyn and B acon.
- Wang, X.-s., & Liu, Q.-s. (2010). An Analysis of Psychological Factors of Law-abiding Behavior. *Journal of Hebei University (Philosophy and Social Science)*, 6. http://en.cnki.com.cn/Article_en/CJFDTotal-HBDS201006013.htm.

- Worrall, J. L., Els, N., Piquero, A. R., & TenEyck, M. (2014). The moderating effects of informal social control in the sanctions-compliance nexus. *American Journal of Criminal Justice*, 39(2), 341-357.
<https://doi.org/10.1007/s12103-013-9211-9>.
- Yarcheski, A., Mahon, N. E., & Yarcheski, T. J. (2002). Anger in early adolescent boys and girls with health manifestations. *Nursing research*, 51(4), 229-236.
https://journals.lww.com/nursingresearchonline/Abstract/2002/07000/Anger_in_Early_Adolescent_Boys_and_Girls_With.3.aspx.
- Zoutewelle-Terovan, M., Van Der Geest, V., Liefbroer, A., & Bijleveld, C. (2014). Criminality and family formation: Effects of marriage and parenthood on criminal behavior for men and women. *Crime & Delinquency*, 60(8), 1209-1234.
<https://doi.org/10.1177%2F0011128712441745>.

